

زندگی نامه شهید اول

حسن عبدالهی^۱

چکیده

محمدبن مکی از علمای برجسته شیعه در قرن هشتم هجری یکی از تأثیرگذارترین علمای این قرن بوده که همواره مورد توجه اندیشمندان می‌باشد. وی به هدف کسب علم به شهرهای مختلفی همچون حله، بغداد، مکه، مصر، دمشق، بیت المقدس و ... سفر کرد و از محضر علمای آن دیار کسب علم نمود. به جهت تلاش علمی وافر، موفق به کسب اجازه‌نامه‌های گوناگون از اندیشمندان شیعه و سنی شد و در کلام بزرگان به فقیه، محدث، متکلم، ادیب، شاعر، زاهد، عابد... توصیف گشته است. در حیات علمی خود شاگران قوی و صاحب نامی تربیت کرد و نوشته‌هایش همواره مورد توجه اندیشمندان واقع شده به گونه‌ای که شرح‌های مختلفی بر کتب او نوشته‌اند. کتاب «اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه»، «الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه»، «غایه المراد فی شرح نکت الارشاد» از آثار برجسته اوست که همواره مورد توجه بوده و برخی از آن امروزه در مدارس علمیه تدریس می‌شود. ایشان در نهایت به جهت شدت حسادت، کینه و تعصب مذهبی حاکمان و مردم زمان خود به شهادت رسید. در این نوشتار به روش کتابخانه به دنبال تبیین حیات علمی-اجتماعی این شخصیت تأثیرگذار هستیم.

کلید واژه: شهید اول، مؤلفات، اساتید، شاگردان، تألیفات.

^۱. طلبه سطح ۳، حوزه علمیه قم،

مقدمه

علمای شیعه همواره در حفظ و گسترش فرهنگ و معارف شیعه نقش مهمی ایفا کرده‌اند. آنان در برخی از برهه‌های تاریخ با وجود حاکمان ظالم و ستم‌گر و نیز متعصبین از مذاهب و نحله‌های گوناگون، نسبت به تبلیغ فرهنگ تشیع، از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. در این بین عالم فاضل جناب محمدبن مکی معروف به شهید اول از علمای برجسته شیعه، با سفر به شهرهای مختلف همچون حله، بغداد، مکه، مصر، دمشق و بیت المقدس نزد علمایی بزرگ از شیعه و سنی کسب علم نمود و به جهت قوت علمی و دقت نظر در کلام فریقین ستایش شده و اجازه‌نامه‌های مختلفی دریافت کرده است. وی صاحب تألیفات مختلفی در حوزه فقه، اصول، کلام، حدیث و ... می‌باشد. از آثار برجسته او می‌توان به کتاب «**اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه**»، «**الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**»، «**غایه المراد فی شرح نکت الارشاد**» اشاره کرد که برخی از آنها سالیان سال مورد توجه اهل علم بوده و هم‌اینک در حوزه‌های علمیّه تدریس می‌شود. به جهت برجسته بودن شخصیت علمی - اخلاقی محمدبن مکی در کتب تراجم به شرح حال وی اشاره شده لکن با توجه به مقام و جایگاه والای شهید به نظر می‌رسد وجود یک تحقیق به زبان فارسی که جنبه‌های مختلفی از زندگی شهید را مورد بررسی قرار دهد و با اشراف نسبت به تحقیقات قبلی نوشته شده باشد؛ برای اهل علم خالی است لذا در نوشتار پیش‌رو به بیان نقاط برجسته از زندگی شهید اول اشاره می‌کنیم. امید است مورد توجه اهل علم قرار گیرد.

تولد

ابوعبدالله محمدبن مکی بن محمدبن حامدبن أحمد مطلبی عاملی جزینی ملقب به «شمس الدین» و معروف به «**شهید اول**» در سال ۷۳۴ ق (امین، ۱۴۰۳) در شهر جزین از منطقه جبل عامل به دنیا آمد. (سبحانی، ۱۴۲۴) برخی همانند جناب مختاری مختاری تاریخ تولد شهید اول را ۷۲۴ ق ذکر کرده‌اند. (مختاری، ۱۳۴۲) جناب مهاجر نیز نظری نزدیک به سخن مختاری داشته و ولادت شهید را بین سال ۷۲۰ ق تا ۷۲۹ ق دانسته است. (مهاجر، ۱۴۱۰) پدر وی ابومحمد ملقب به «جمال الدین» از علما و از شاگردان علامه نجم الدین طومان و مادرش بانویی از آل معیه از خاندان علوی در عراق بوده است. (افندی، ۱۴۱۰) از طرف پدر منسوب به خاندان عبدالمطلب (امین، ۱۴۰۳) و از طرف مادر منسوب به سعدبن معاذ می‌باشد. (افندی، ۱۴۱۰) از شهید اول سه فرزند پسر به نامها شیخ جمال الدین أبو منصور حسن و شیخ ضیاء الدین أبو القاسم علی و شیخ رضی الدین محمد و یک دختر به نام فاطمه که همگی اهل علم بوده‌اند، باقی مانده است. (افندی، ۱۴۳۱) (قمی، ۱۳۶۸) (املدی، ۱۴۱۰) همسر ایشان معروف به ام‌علی نیز از زنان فاضله زمان خود بوده به گونه‌ای که شهید اول، زنان را برای پاسخ سوالات به همسرشان ارجاع می‌دادند. (قمی، ۱۳۶۸)

اقوال علما

شهید اول به جهت فضل و مقام علمی بالایی که داشت بارها در کلام علما و بزرگان مورد ستایش و تمجید واقع شده است که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

افندی می‌نویسد: وی عالمی ماهر، فقیه، محدث، مورد اعتماد، جامع علوم معقول و منقول، شاعر، ادیب، زاهد، عابد و یگانه دوران خودش بود. (افندی، ۱۴۳۱) (عاملی، ۱۴۲۲) محقق کرکی در اجازه خود به قاضی صفی الدین، شهید اول را با تعبیری همچون: شیخ الاسلام، علامه، رئیس المتأخرین، حلال مشکلات علمی، صاحب تحقیقات دقیق، خورشید ملت توصیف می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳) شهید ثانی در اجازه نامه خود به حسین عبدالصمد شهید اول را به شیخ اعظم، احیا کننده سنت (شهید ثانی، ۱۴۱۴) و جناب تفرشی او را به شیخ الطائفه، ثقه، نیکو نوشتار، (تفرشی، ۱۳۷۷) و جناب نوری او را افقه فقها، جامع فنون، پاک سیرت، رکن علماء، ادیب، شاعر و صاحب تالیفات برجسته توصیف می‌کنند. (امین، ۱۴۰۳) کثرت فضل و مقام علمی شهید به حدی رسید که محدث نوری و محدث قمی ادعا می‌کنند غالب اجازات علما ما به شهید اول می‌رسد. (نوری، ۱۴۱۷) (قمی، ۱۳۶۸) محسن‌امین در مقایسه بین شهید اول و شهید ثانی می‌نویسد: شهید اول از حیث دقت نظر و تحقیق نسبت به شهید ثانی فقیه‌تر و قوی‌تر است. (امین، ۱۴۰۳) شمس الدین أبو الخیر الجزری از علمای شافعی زمان شهید در مورد وی می‌نویسد: بزرگ شیعیان و مجتهد در مذهب تشیع و نیز امام در فقه، نحو و قرائت بود. در مدتی که با وی بودم آنچه که مخالف سنت باشد از او نشنیدم. (جزری، ۱۴۲۹) یوسف بحرانی او را عالم، ماهر، فقیه، متبحر در عقلیات و منقولات، زاهد و عابد دانسته است. (سبحانی، ۱۴۲۴) همچنین از او به دریایی از علوم معقول و منقول، ادیب و شاعر، زاهد و دارای تالیفات زیاد (سماوی، ۱۴۲۲) از اکابر علمای امامیه و اعظام فقها و مجتهدین اثنی عشریه، عالم عامل، فقیه کامل، محدث، ثقه، رجالی، اصولی، ادیب، شاعر ماهر، محقق، مدقق یاد کرده‌اند. (مشار، ۱۳۴۰)

بدیهیست القابی همچون یگانه دهر، امام، فقیه و ... به سادگی از علما در مورد فردی صادر نمی‌شود و کثرت تعبیر یاد شده در مورد شهید اول نشان از جایگاه بزرگ او در علم و دانش دارد.

احوال

وی در ابتدا نزد علماء جبل عامل تحصیل کرد سپس در سال ۷۵۰ ق به عراق و شهر حله هجرت نمود و نزد فخرالمحققین فرزند علامه حلی و دیگر شاگردان علامه همانند ابن معیه، ابن نما و ... تلمذ نمود. (امین، ۱۴۰۳) و (سبحانی، ۱۴۲۴) به جهت همت و توان علمی وافر وی از فخرالمحققین نقل شده: در این مدت زمانی که محمدبن مکی نزد من بود بیش از آنچه وی از من بهره علمی برده باشد من از او استفاده کردم. (امین، ۱۴۰۳) و (جابر، ۱۴۳۰) وی قریب به پنج سال در عراق ماند. (امین، ۱۴۰۳) سپس به جهت طلب علم به شهرهای دیگر همانند: بغداد، مکه دمشق، بیت المقدس (سبحانی، ۱۴۲۴) و مصر سفر کرد و از علمای شیعه و سنتی کسب علم نمود. (کحاله، ۱۳۷۶) شهید اول مرویات و مصنفات عامه را از چهل تن از اکابر علماء و محدثین و مشایخ ایشان روایت می‌کند. (مشار، ۱۳۴۰) به جهت تسلط داشتن به اقوال عامه از جناب بروجرودی نقل شده که فقه پنج نفر از فقها به جهت تسلط بر اقوال عامه نسبت به دیگران برتر است. جناب محقق، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول، شهید ثانی. (عاملی، ۱۴۱۴).

وجود تعصبات مذهبی باعث شد شهید اول همواره با تقیه زندگی کند وی همواره به تدریس کتب اهل سنت مشغول بود و تنها در هنگام غروب آفتاب در زیرزمینی منزل به تدریس کتب شیعه می پرداخت. (افندی، ۱۴۳۱) حیدر محمدعلی بغدادی در مورد کمی تالیف آثار کلامی از شهید اول می نویسد: با وجود تصریح علما به تبحر شهید در علوم عقلی، کتب کلامی کمی از وی به جای مانده است و به نظر می رسد شهید اول از هر آنچه که او را در معرض اتهام قرار داده و از ترویج مذهب حقه باز دارد، دوری می کرد در آخر نیز با اتهام وی را شهید کردند. (سبحانی، ۱۴۲۴) ابو الخیر الجزری از علمای شافعی زمان شهید در مورد وی می نویسد: در مدتی که با وی بودم آنچه که مخالف سنت باشد از او نشنیدم. (جزری، ۱۴۲۹) و نیز منقول است در مدت زمانی که شهید اول مشغول نوشتن کتاب «اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه» بود هیچ یک از اهل عامه بر او داخل نشد و این از الطاف خفیه الهی بر او بود. (شهید ثانی، ۱۴۱۰) و (مجلسی، ۱۴۰۳) تمام این وقایع تاریخی دلالت بر تقیه شهید در آن دوران دارد.

نقل یک داستان از احوالات شیخ خالی از لطف نیست: عده ای از علما بیان داشته اند که شیخ جمال الدین احمد بن متوَّج بحرانی با شهید اول بارها مناظره داشته و غالباً شیخ جمال پیروز مناظره بوده است تا اینکه شیخ جمال به بحرین بازگشت و منصب قضاوت را به عهده گرفت و بعد از مدتها در ایام حج شهید اول را ملاقات کرد در آن هنگام در مورد برخی از مسائل گفتگو کردند و شهید اول غالب شد در این هنگام شیخ جمال با تعجب از شهید در مورد این اتفاق سوال می کند و وی پاسخ می دهد: «سَهْرنا و اضعم»^۱ (صدر، ۱۴۲۹) از این داستان فهمیده می شود شهید اول در تمام مدت عمر خود همواره عمر خود را به تدریس، تحقیق و پژوهش گزرانده است.

از وقایع مهم تاریخی در زمان وی، نامه علی بن موید از امیران سربداران خراسان، سال ۷۸۲ ق به شهید اول مبنی بر عزیمت به خراسان و پذیرش مرجعیت علمی آن است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰) لکن شهید از پذیرش این دعوت امتناع نمود و در عوض کتاب «اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه» را نوشت و برای علی بن موید فرستاد. به جهت اهمیت موضوع، ترجمه فارسی نامه علی بن موید را ذکر می کنیم.

سلامی چون عطر فشانی عنبری عطر فشان که به هر جا گذرد بوی خوشش به جا گذارد. سلامی که با ماه شب چهارده در هر حال و منزلی همچشمی نماید. سلامی که با خورشید در هر بامداد برابری نماید، بر خورشید دین راستین باد.

محضر مبارک مولای ما، آن پیشوای بلند همت با اراده، دانشمند وظیفه گزار، رهرو پارسا، علامه روزگار، رهبر ملت، سرمشق دانشمندان، دارنده انواع فضایل و دانشها و هنرها، جدا کننده نی سبقت در مسابقه بزرگان^۲ احیا کننده رسم امامان، پیشوای ما خورشید راستی و دین که خدا سایه اش را بر دولتی خوش بنیان و نعمتی بیکران بگستراند.

اما بعد دوست دار شما به نهایت اشتیاق مایل به ملاقاتتان است

چشم محروم گشت از دیدار تو لکن قلب به شدت عاشق تو گشت

^۱. (ما شب زنده داری کردیم و شما ضایع کردید).

^۲. عرب در قدیم هنگام مسابقه یک دانه نی را در پایان خط سبقت قرار میداد و هر که زودتر میرسید آن را برمیداشت لذا این ضرب المثل باقی ماند.

به عرض آن جناب می رسانم که شیعیان خراسان تشنه دیدار شمايند در اين بين بزرگان و علما از دنيا رفته اند و ما در ميان خويش کسی را که به فتوايش بتوان اعتماد کرد يا مردم بتوانند عقايد درست را از وی فراگیرند نمی یابيم. از خدای متعال مسألت داریم که حضرتت به ما افتخار حضور دهی تا از علمت پیروی کنیم و از راه و رسمت رفتار آموزيم. ما از اين نگرانی که سرزمين ما به خاطر رهبر نداشتن و راهنمایی نشدن، دستخوش خشم الهی گردد. هرگاه لطف فرمایید و با توکل به خدا و پرهیز از عذر آوردن به اینجا تشریف بیاورید، مزید احسان خواهد بود. الحمدلله قدرتان را می دانيم و ان شاء الله حقان را می شناسيم و بزرگتان می داریم.

سلام بر ملت اسلام باد!

دوستدار شیفته ات: علی بن مؤید. (امین، ۱۴۰۸)

عناوین یاد شده در متن نامه به خوبی بیانگر فضل و مقام علمی شهید است؛ لازم به ذکر است در بیان علت نپذیرفتن این دعوت از سوی شهید، برخی وجود شیعیان در دمشق و لزوم حمایت فکری-معنوی از آنان را ذکر کرده اند؛ (جابر، ۱۴۳۰) لکن این مساله نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

اساتید شیعه

با توجه به اجازه نامه شهید به ابن خازن (قمی، ۱۳۶۸) در می یابيم وی در دوران تحصیل به شهرهای مختلفی سفر داشته و از علمای شیعه و سنی استفاده برده است. بی شک پرداختن به میزان تاثیر پذیری و مدت زمان تحصیل شهید نزد هر یک از دانشمندان نیاز به تحقیق مفصلي داشته که از عهده این نوشتار خارج است و چه بسا منابع تاریخی ما نیز به بیان این مساله نپرداخته باشند لکن در حد توان به نام برخی از اساتید شیعه و سنی شهید اول اشاره می کنیم.

۱- فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف فرزند علامه حلی که شهید اول کتاب «**ایضاح الفوائد**» را نزد او خواند و در تمام تالیفات و روایات فخرالمحققین اجازه روایت دریافت کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (امین، ۱۴۰۳) ۲- ابوعبدالله سید عمیدالدین عبدالمطلب بن اعرج حسینی فرزند خواهر علامه حلی که شهید اول جزء اول کتاب «**تذکره الفقها**» را نزد وی خواند و از او اجازه نامه دریافت کرد. (امین، ۱۴۰۳) و (مجلسی، ۱۴۰۳) ۳- سید ضیاء الدین عبدالله بن اعرج حسینی فرزند خواهر علامه حلی صاحب کتاب «**منیه اللیب فی شرح التهذیب**» (سبحانی، ۱۴۲۴) ۴- سید تاج الدین ابوعبدالله محمد بن القاسم معروف به ابن معینه دیباجی حلی که شهید اول از او اجازه نامه داشته است. (سبحانی، ۱۴۲۴) و (امین، ۱۴۰۳) ۵- قطب الدین محمد بن محمد رازی بویهی که شهید اول از او اجازه نامه داشته است. (مجلسی، ۱۴۰۳) ۶- زین الدین ابوالحسن علی بن احمد بن طرّاد مطار آبادی (سبحانی، ۱۴۲۴) و (امین، ۱۴۰۳) ۷- رضی الدین ابوالحسن علی بن جمال الدین احمد حلی معروف به ابن مزیدی (شهید اول، ۱۴۰۷) و (تهرانی، ۱۴۳۰) ۸- امین الدین ابوطالب احمد بن ابی ابراهیم محمد بن زهره حلبی حسینی (مجلسی، ۱۴۰۳) ۹- ابومحمد حسن بن نما حلی (شهید اول، ۱۴۰۷) و (تهرانی، ۱۴۳۰) ۱۰- مهنا بن جلیل سنان قاضی (شهید اول، ۱۴۰۷) و (تهرانی، ۱۴۳۰) ۱۱- ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی معالی موسوی ۱۲- سیدجمال الدین عبدالله بن

محمد حسینی عریضی خراسانی که شهید اول کتاب «الفوائد الغیاثیه» را نزد وی خواند و از او اجازه نامه دریافت کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳) ۱۳- أحمد بن محمد بن حسن بن زهره (تهرانی، ۱۴۳۰) و (امین، ۱۴۰۳) ۱۴- محمد بن أحمد بن أبی معالی ۱۵- عبد الحمید بن فخر بن معد ۱۶- محمد بن محمد کوفی (تهرانی، ۱۴۳۰) ۱۷- شیخ محمد بن جعفر مشهدی. (امین، ۱۴۰۳)

اساتید سنی

۱- قاضی برهان الدین ابراهیم بن جماعه که شهید اول «شرح الشاطبیه» را نزد وی خواند (مجلسی، ۱۴۰۳) (سبحانی، ۱۴۲۴) ۲- قاضی القضاة عزالدین عبدالعزیز بن جماعه که شهید اجازه روایت کتاب «الکشاف» را از وی دریافت کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳) ۳- جمال الدین ابوالاحمد عبدالصمد بن خلیل بغدادی که شهید اول در نقل تمام نوشته‌ها و مصنفات او اجازه داشته است. (شهید اول، ۱۴۲۴) ۴- محمد بن یوسف قرشی کرمانی شافعی صاحب کتاب «الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری» که شهید اول از او اجازه نامه داشته است. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (تهرانی، ۱۴۳۰) ۵- شهاب الدین ابوالعباس احمد بن حسن حنفی که شهید اول از او کتاب «الخلاصه المالکیه» را روایت کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (تهرانی، ۱۴۳۰) ۶- شرف الدین محمد بن بکتاش تستری بغدادی شافعی که شهید اول از او دو کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را روایت کرده است. ۷- شمس الدین محمد بن عبدالله بغدادی حنبلی که شهید اول «صحیح بخاری» را از او روایت کرده است. (سبحانی، ۱۴۲۴) ۸- شمس الدین ابوعبدالرحمن محمد بن عبدالرحمن مالکی که شهید اول کتاب «صحیح بخاری» را از او روایت کرده است. (سبحانی، ۱۴۲۴) ۹- فخرالدین محمد بن اعز حنفی که شهید «صحیح بخاری» را از او روایت کرده است.

شاگردان

شهید اول شاگردان مختلفی تربیت کرده و به برخی از آنها اجازه نامه نقل مصنفات و مرویات خود را نیز داده است. در ادامه به نام مهمترین آنان اشاره می‌کنیم.

۱- جمال الدین مقداد بن عبدالله سُیُوری حلی معروف به فاضل مقداد (سبحانی، ۱۴۲۴) و (امین، ۱۴۰۳) ۲- شمس الدین ابوجعفر محمد بن تاج الدین ابی محمد عبدالعلی بن نجده کرکی (امین، ۱۴۰۳) ۳- زین الدین علی بن عز الدین حسن بن محمد خازن حائری (امین، ۱۴۰۳) و (مجلسی، ۱۴۰۳) ۴- شمس الدین محمد بن علی بن موسی بن ضحاک شامی (شهید ثانی، ۱۴۱۴) ۵- شیخ زین الدین ابوالحسن علی بن بشاره عاملی شقراو (تهرانی، ۱۴۰۳) ۶- جمال الدین احمد بن ابراهیم بن حسین کروانی (شهید ثانی، ۱۴۱۴) ۷- شیخ عزالدین ابوعبدالله حسین بن علی عاملی (تهرانی، ۱۴۳۰) ۸- عزالدین حسین بن محمد بن هلال کرکی (تهرانی، ۱۴۳۰) ۹- شمس الدین ابوعبدالله محمد بن محمد بن زهره حسینی حلبی (تهرانی، ۱۴۳۰) ۱۰- عزالدین حسن بن سلیمان بن محمد حلی نویسنده کتاب «بصائر الدرجات» (تهرانی، ۱۴۰۳) ۱۱- احمد بن حسن بن محمود (تهرانی، ۱۴۳۰) ۱۲- شیخ صفی بن محمد بن علی بن

حسن جرجانی عاملی (صدر، ۱۴۲۹) ۱۳- سید حسن بن ایوب^۱ ۱۴- رضی الدین ابوطالب^۲ ۱۵- شیخ ضیاء الدین ابوالقاسم علی (افندی، ۱۴۳۱) ۱۶- شیخ جمال الدین ابومنصور حسن (افندی، ۱۴۳۱) و (امین، ۱۴۰۳) ۱۷- سید عمید الدین اعرج حسینی (افندی، ۱۴۳۱) ۱۸- شیخ جلال الدین أبومحمد حسن بن نما (افندی، ۱۴۳۱)

(مؤلفاته)

از شهید اول تالیفات گوناگونی در موضوعاتی همچون فقه، اصول، حدیث، کلام و ... به جای مانده است؛ لکن در انتساب برخی از کتب به شهید اول نقد و نظر هست که در همین باب به آنها اشاره خواهیم کرد. لازم به ذکر است برخی از کتب شهید بسیار مورد توجه اهل علم واقع شده به گونه‌ای که شروح مختلفی بر آنها نگاشته‌اند.

«**اجوبه مسائل الفاضل المقداد**» این رساله مشتمل بر ۲۷ سوالی بوده که فاضل مقداد پرسیده و شهید پاسخ داده است. (تهرانی، ۱۴۰۳) و (امین، ۱۴۰۳) «**اجوبه مسائل الفاضل ابن نجم الدین الاطراوی**» این کتاب پاسخ شهید به سوالها یکی از شاگردانش است که با خط خود شهید نوشته و ۶۵ رساله فقهی در آن مورد بررسی قرار گرفته است. (تهرانی، ۱۴۰۳) و (سبحانی، ۱۴۲۴) با توجه به نام بردن کتاب «ذکری» در این رساله فهمیده می‌شود شهید این رساله را در آخر عمر خود تالیف کرده است. (مختاری، ۱۴۳۲)، «**الاربعمون حدیثا**» این کتاب مشتمل بر چهل حدیث بوده که شهید اول سلسله سند هر روایت را ذکر کرده است. (شهید اول، ۱۴۰۷) و (قمی، ۱۳۶۸) در این باب رساله دیگری تحت عنوان **الاربعمون حدیثا** که تنها مشتمل بر یک حدیث از امام حسین علیه السلام است، نقل شده است. (شهید اول، ۱۴۲۰) لکن به نظر می‌رسد این رساله جزئی از همان رساله قبلی باشد، «**البیان**» این کتاب در موضوع فقه بوده که اقوال مختلفی را در خود نیز جای داده و مشتمل بر بابهایی چون «طهارت» «صلاه» «زکات» «خمس» «روزه» می‌باشد (مشار، ۱۳۴۰) و (قمی، ۱۳۶۸) (شهید اول، ۱۴۱۲)، «**تفسیر الباقیات الصالحات**» این رساله در حقیقت شرح مختصری در مورد تسبیحات اربعه می‌باشد. (قمی، ۱۳۶۸) (شهید اول، ۱۴۱۲) و (حر عاملی، ۱۴۲۲). «**جامع البین من فوائد الشرحین**» علامه حلی کتاب «تهذیب الوصول الی علم الاصول» را نوشت و دو نفر از خواهر زاده‌گان او به نامهای سید عمید الدین و سید ضیاء الدین این کتاب را شرح دادند شهید اول نیز این دو شرح را در کتابی مستقل تحت عنوان «**جامع البین من فوائد الشرحین**» جمع‌آوری و مطالبی به آنها اضافه کرد. (کحاله، ۱۳۷۶) و (سبحانی، ۱۴۲۴)، «**رساله فی قصد من سافر بقصد الافطار**» شهید به درخواست یک نفر که ناشناخته است این رساله را نوشته و در آن به قول موافق و مخالف اشاره کرده و در نهایت به جواز سفر در ماه رمضان به قصد افطار دلیل آورده است. (شهید اول، ۱۴۲۰) و (امین، ۱۴۰۳)، «**حاشیه القواعد**» این کتاب شرح «قواعد الاحکام» اثر علامه حلی می‌باشد. (مشار، ۱۳۴۰) و (املدی، ۱۴۱۰). «**الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**» این کتاب که بسیاری از ابواب فقه را در بر داشته به درخواست دو فرزند شهید در سال ۷۸۴ ق نوشته شده است. (شهید اول، ۱۴۱۷) (مجلسی، ۱۴۰۳). «**ذکری الشیعه فی احکام الشریعه**» این کتاب دو باب طهارت و نماز را در بر دارد که در سال

۱. أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص: ۶۲.

۲. معجم طبقات المتكلمين، ج ۳، ص: ۱۵۱. رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۵، ص: ۱۹۰. أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص: ۶۲.

۷۸۴ ق نوشته شده و به جهت شهادت شهید تکمیل نشد. (شهید اول، ۱۴۱۹)، «**الرساله الالفیه**» این کتاب مشتمل بر هزار واجب از نماز بوده که مقدمات، مقارنات و نواقض نماز را همراه با احکام خلل و بقیه نمازها در بر دارد. شهید در مقدمه بیان می‌دارد که چون در حدیث شریف بیان شده نماز ۴ هزار حد دارد. (کلینی، ۱۴۰۷) من نیز دست به تالیف این کتاب زدم و در رساله‌ای دیگر سه هزار مستحبات نماز را بیان داشتم. (شهید اول، ۱۴۰۸) و (مجلسی، ۱۴۰۳)، «**الرساله النفلیه**» این رساله بعد از الفه نوشته شده و مشتمل بر ۳ هزار از مستحبات نماز است. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (مشار، ۱۳۴۰)، «**شرح قصیده الشهفینی**» این رساله در حقیقت شرحی بر یکی از قصائد علی بن حسین شهفینی در مورد حضرت علی علیه السلام می‌باشد. (املدی، ۱۴۱۰)، «**العقیده الکافیه**» رساله مختصری در موضوع اعتقادات می‌باشد و استدلالهایی در مورد صفات خدا، امامت حضرت علی علیه السلام و حضرت مهدی، معاد، سوال قبر و... در آن بیان شده است. (شهید اول، ۱۴۲۰)، «**غایه المراد فی شرح نکت الارشاد**» این کتاب یکی از معتبرترین شروح کتاب «ارشاد الاذهان» علامه حلی است. همانطور که شهید در مقدمه بیان داشته به جهت درخواست عده ای از طلاب جهت تبیین نکات دقیق کتاب «ارشاد الاذهان» شروع به تالیف شرح آن کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (قمی، ۱۳۶۸)، «**القواعد و الفوائد**» به گفته شهید اول این کتاب مشتمل بر ضوابط کلی، اصولی - فقهی بوده که احکام شرعی از آن بدست می‌آید و به تعبیر شهید در میان اصحاب امامیه کتابی همانند آن تألیف نشده است. (سبحانی، ۱۴۲۴)، «**اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه**» کتابی مختصر در فقه بوده که شهید به جهت درخواست برخی از متدینین در سال ۷۸۲ ق نگاشته است. (شهید اول، ۱۴۱۰) نقل شده که علی بن موید از امیران سربداران (شهید ثانی، ۱۴۱۰) به طور رسمی در نامه‌ای از شهید اول درخواست کرد که به خراسان هجرت کرده و مرجعت علمی را عهده دار شود لکن شهید از آمدن به ایران امتناع کرد و در عوض کتاب «اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه» را در مدت هفت روز نوشت و آن را برای علی بن موید فرستاد. منقول است در مدت تالیف هیچ یک از عامه بر او داخل نشد و این از الطاف خفیه الهی بود. (شهید ثانی، ۱۴۱۰) و (مجلسی، ۱۴۰۳) برخی ادعا کرده‌اند شهید اول کتاب لمعه را در زندان نوشته لکن این سخن دقیق نبوده چرا که شهید اول در در اجازه نامه خود به ابن خازن نام کتاب لمعه را ذکر می‌کند و مسلم است که این اجازه نامه در سال ۷۸۴ ق داده شده و قبل از شهادت شهید می‌باشد. (املدی، ۱۴۱۰)، «**المجموعه**» این کتاب مجموعه بر چند رساله در موضوعاتی همچون احادیث، علوم ادبی، اشعار، حکایات و نوادر و... بوده که نزد شیخ شمس الدین جبای قرار داشته است. (مختاری، ۱۳۴۲)، «**المزار**» این کتاب در مورد آداب زیارت و اعمال مستحبه هنگام زیارت مشاهد مشرفه می‌باشد. (شهید اول، ۱۴۱۰)، «**المسائل الاربعینیه**» این کتاب مشتمل بر چهل مساله اعتقادی می‌باشد. (شهید اول، ۱۴۲۰) و (سبحانی، ۱۴۲۴)، «**المسائل الفقهیه**» مشتمل بر برخی از امور فقهی می‌باشد. (تهرانی، ۱۴۳۰)، «**المقاله التکلیفیه**» این رساله در باب اعتقادات بوده و از ماهیت و چرایی تکلیف، غایت و متعلقات تکلیف بحث و گفتگو میکند. (شهید اول، ۱۴۲۰) و (سبحانی، ۱۴۲۴)، «**المنسک الصغیر خلاصه الاعتبار فی الحج و الاعتمار**» رساله‌ای مختصر در باب احکام حج و عمره می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (قمی، ۱۳۶۸)، «**المنسک الکبیر**» رساله ای در باب حج و عمره بوده که از رساله قبلی بزرگتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (امین، ۱۴۰۳) و (حرعاملی، ۱۴۲۲)، «**الوصیه**» رساله‌ای مختصر در وصایای شهید به دوستان و اطرافیانش در مورد انجام نیکی ها و ترک زشتیها می‌باشد. (شهید اول، ۱۴۱۰)، «**الوصیه باربع و عشرين خصله**» این رساله نیز مشتمل بر ۲۱ خصلت و نیکی می‌باشد. (املدی، ۱۴۱۰)

در کتب رجالی به نام برخی از کتب منتسب به شهید اول مواجه شده‌ایم لکن در انتساب این کتب به شهید تردید وجود دارد و به نظر می‌رسد برخی از این کتب در حقیقت نام دیگر آثار شهید و برخی دیگر از انتساب صحیح برخوردار نیستند که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

«اجوبه مسائل محمد بن مجاهد»، «اربع مسائل فقهیه»، «تقریب المبادی»، «حاشیه التحریر» (مختاری، ۱۴۳۲)، «حاشیه الشرایع» (املدی، ۱۴۱۰) و (افندی، ۱۴۳۱)، «خلاصه الایجاز» (املدی، ۱۴۱۰) «شرح مبادی الاصول، مجموعه الاجازات» (مشار، ۱۳۴۰)، «مسائل تزاحم الحقوق» (مختاری، ۱۴۳۲)، «منظومه فی مقدار نزح ما يقع فی البئر» (املدی، ۱۴۱۰) و (افندی، ۱۴۳۱)، «النیه»، «احکام الاموات من الوصیه الی الزیاره» «المعتبر» (مختاری، ۱۴۳۲)، «اللوامع» (املدی، ۱۴۱۰) و (افندی، ۱۴۳۱)، «الدّره الباهره من الاصداف الطاهره» (املدی، ۱۴۱۰) و (افندی، ۱۴۳۱)، «غایه القصد فی معرفه الفصد» (مختاری، ۱۴۳۲)، «الخَلَل فی الصلاه» (مشار، ۱۳۴۰)، «الاستدراک» (املدی، ۱۴۱۰) و (افندی، ۱۴۳۱)، «احکام الصلاه»، «التهدیب الی الاصول» (مختاری، ۱۴۳۲)

وفات

از اخبار تلخ روزگار، ماجرای غم‌انگیز شهادت محمد بن مکی، عالم برجسته شیعه در قرن هشتم هجری می‌باشد. عواملی همچون تعصب، حسادت، کینه و بغض دست به دست هم داده تا یکی از بزرگ‌مردترین انسانها، به بدترین نحو ممکن به شهادت برسد. در ادامه بر اساس گزاره‌های خبری کتب تراجم به ذکر وقایع این موضوع می‌پردازیم:

در عصر شهید اول شخصی به نام محمد یالوشی‌عاملی به دنبال فتنه و آشوب در بین امت اسلامی برآمد. وی اگر چه در آغاز از شاگردان شهید اول بود و در سخنوری بیانی شیرین و جذاب داشت لکن از راه شعبده و تردستی، مسیر سحر و کهنات را پیمود و کار به جایی رسید که ادعای نبوت کرد و مردم را به مذهب جدیدی فراخواند شهید اول نیز در برابر این شخص و دعوتش ایستاد و فتوای قتل او را صادر کرد و برای جلوگیری از نشر این بدعت، حکومت دمشق را وادار کرد که لشکری را آماده کند تا اینکه در نبرد بیم حکومت وقت و محمد یالوشی، فرد مدعی نبوت کشته شد و بسیاری از نیروهایش از بین رفتند. (املدی، ۱۴۰۲) و (امین، ۱۴۰۳).

بعد از یالوش، زعامت طرفدارانش به تقی‌الدین جلی رسید. وی به جهت ادامه دادن مسیر محمد یالوشی مرتد شد و همواره از شهید بدگویی می‌کرد. بعد از وفات او شخصی به نام یوسف بن یحیی نیز همین مسیر را طی کرد و نسبت به مذهب شیعه مرتد شد. وی نامه‌ای به حاکم وقت نوشت و در آن انواع تهمت و افتراء را علیه شهید اول بیان داشت و برای اثبات مدعای خود هفتاد امضا از مرتدین پیروان خود و نیز هزار امضا از اهل تسنن جمع‌آوری کرد و این مساله را نزد قاضی دمشق به اثبات رساند. (امین، ۱۴۰۳) و (جابر، ۱۴۳۰) به سبب این اتهامات و بدگویی‌ها حکومت وقت محمد بن مکی را به مدت یک سال به زندان انداخت. با طولانی شدن مدت حبس شهید اعتراض دوستداران وی بلند شد و این امر باعث نگرانی «بیدمر» حاکم دمشق گردید لذا جهت فیصله دادن به این مساله دادگاهی تشکیل دادند و اتهامات محمد بن مکی را بیان داشتند ولی وی اتهامات ذکر شده را انکار نمود تا مبادا جرم نسبت داده شده در حق او ثابت گردد. آنها به وی گفتند: اتهامات تو شرعاً ثابت شده و حکم قاضی درباره تو نقض نخواهد شد. شهید گفت: فردی که به طور غیابی محاکمه شده حق دارد از خود دفاع کند، ولی آنان توجهی به سخن وی ننمودند. شهید رو به قاضی عبّاد بن جماعه که فردی شافعی مذهب بود کرد و گفت: الان زعیم و بزرگ فرقه شافعیه تو هستی پس خودت بر

طبق فقه شافعی در این محاکمه نظر بده. ابن جماعه گفت: بر طبق مذهب من لازم بود تا تو یک سال حبس شوی و سپس از تو طلب توبه شود، خوب تو یک سال حبس را تحمل کردی، حالا از گفتار خود توبه کن تا من حکم به مسلمان بودن بنمایم. شهید گفت: من کاری که موجب استغفار باشد نکرده‌ام تا مجبور باشم از آن کار توبه نمایم. ابن جماعه دست بردار نبود و با خشونت و پا فشاری از وی می‌خواست که توبه کند و شهید همچنان امتناع می‌ورزید. پس ابن جماعه نیرنگی به کار بست و در گوشه‌ای به طور خصوصی با شهید به گفتگو پرداخت و پس از مدتی خطاب به شهید گفت: تو استغفار کردی بنابر این حق بر تو ثابت شد، سپس رو به قاضی برهان‌الدین مالکی کرد و گفت: او استغفار کرد و حق بر علیه او ثابت شد ولی به واسطه توبه‌اش نمی‌توانم بنابر عقیده شافعیه درباره او حکم کنم پس تو باید بنابر عقیده مالکیه درباره وی حکم کنی. بنابر این قاضی مالکی که فردی متعصب بود و در مذهبش توبه مرتد را قبول نداشت از جا بلند شد و وضو گرفت سپس دو رکعت نماز خواند و گفت: من به ریختن خون ایشان حکم می‌کنم. (ابن قضا، ۱۴۱۸) و (امین، ۱۴۰۳).

بدین ترتیب در دوران حکومت «بیدمر» حاکم دمشق و سلطنت برقوق حاکم مصر که سلطنتش معاصر با سلطنت تیمور لنگ در ایران بود (امین، ۱۴۰۳) و (افندی، ۱۴۳۱)، بد خواهان شیعه صبح روز پنجشنبه نهم جمادی الاول سال ۷۸۶ ق در شهر دمشق با فتوای برهان‌الدین مالکی و عباد بن جماعه شافعی در سن ۵۲ سالگی سرش را قطع کردند. (املدی، ۱۴۰۲) و (سماوی، ۱۴۲۲) و (کحاله، ۱۳۷۶) و پیکر شریفش را به دار آویختند که تا عصر بدنش بر دار بود آنگاه مأموران حکومت بدنش را سنگسار کردند و پس از آن جسدش را سوزانده و خاکسترش را بر باد دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳) و (امین، ۱۴۰۳) و (حر عاملی، ۱۴۲۲) منقول است قاضی برهان‌الدین مالکی در گذشته مناظره‌ای با شهید اول داشته و به جهت ضعف علمی در مناظره و حسادتی که وجود داشت، کینه شهید را به دل گرفت. (افندی، ۱۴۳۱)

به جهت خاکستر شدن بدن آن مرحوم، اثری از قبر برای این شهید بزرگوار باقی نمانده است.

در سینه‌های مردم عارف مزار ماست

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی

کتابنامه

- ۱- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، تعلیقه أمل الآمل، ۱ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۲- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۷ جلد، مؤسسه التاریخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۳۱ ه.ق.
- ۳- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، دار الأضواء - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۴- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، طبقات أعلام الشیعه، ۱۷ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۳۰ ه.ق.
- ۵- امین، حسن، مستدرکات أعيان الشیعه، ۷ جلد، دار التعارف للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۶- امین، محسن، أعيان الشیعه، ۱۲ جلد، دار التعارف للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۷- تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، ۵ جلد، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۸- ابن قاضی شبهه، ابوبکر بن احمد، تاریخ ابن قاضی شبهه، ۴ جلد، المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیة، سوریه، ۱۴۱۸ ق.
- ۹- جابر، علی داود، معجم أعلام جبل عامل، ۳ جلد، دار المؤرخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۳۰ ه.ق.
- ۱۰- جزری، محمد بن محمد، غایة النهاية فی طبقات القراء، ۳ جلد، دار الصحابة للتراث - مصر - طنطا، چاپ: ۱، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن، أمل الآمل فی علماء جبل عامل، ۲ جلد، مکتبه الأندلس - عراق - بغداد، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۲- سماوی، محمد، الطلیعه من شعراء الشیعه، ۲ جلد، دار المؤرخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.
- ۱۳- شهید اول، محمد بن مکی، الأربعون حدیثاً (للشهید الأول) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۴- صدر، حسن، تکملة أمل الآمل، ۶ جلد، دار المؤرخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۵- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، البیان، در یک جلد، محقق، قم - ایران، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۱۶- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۱۷- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۸- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، المزار فی کیفیة زیارات النبی و الأئمة علیهم السلام، در یک جلد، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۹- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، النفلیة، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۲۰- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعه فی أحكام الشریعة، ۴ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
- ۲۱- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، رسائل الشهید الأول، در یک جلد، ه.ق.
- ۲۲- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۲۳- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داور، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۲۴- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشیة الإرشاد، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

- ۲۵- قمی، عباس، **اللقاب و الألقاب** (مکتبۃ الصدر)، ۳ جلد، مکتبۃ الصدر - ایران - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۲۶- کحاله، عمر رضا، **معجم المؤلفین**، ۱۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۳۷۶ ه.ق.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی** (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۸- لجنه العلمیه فی مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، **معجم طبقات المتکلمین**، ۵ جلد، مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام)، ایران، قم، چاپ: ۱، ۱۴۲۴ ق.
- ۲۹- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار** (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۰- مختاری، رضا، **الشهید الاول حیاته و آثاره**، ناشر: بوستان کتاب، قم، ۱۳۴۲ ق.
- ۳۱- مشار، خان بابا، **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون**، ۶ جلد، [ابی نا] - [ابی جا]، چاپ: ۱، ۱۳۴۰ ه.ش.
- ۳۲- مهاجر، جعفر، **الهجرة العالمية إلى ایران فی العصر الصفوی**، صفحہ: ۱۰۵، دار الروضة، بیروت - لبنان، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۳۳- نوری، محدث، میرزا حسین، **خاتمة المستدرک**، ۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۷ ه.ق